

۲۰۱۰/۸/۱۱

صدای افغان (آوا)  
سرویس تحلیل و پژوهش اخبار  
سخن سردبیر

## چرا تجزیه، وقتی می توانیم با هم باشیم!؟

طبق گفته صائب نظران، صحبت از تجزیه افغانستان، بحث تازه و جدیدی نیست. موضوع تجزیه کشورهای بزرگ آسیای میانه و تبدیل آنان به کشورهای کوچک و ضعیف، از مدتها پیش و پس از فروپاشی نظام شوراهای شوروی سابق و پایان یافتن جنگ سرد، در دستور کار ایالات متحده آمریکا و شرکای غربی آنان قرار گرفت. در اینکه تجزیه و پاره پاره کردن افغانستان و سایر کشورهای منطقه، از رویاهای شیرین زمامداران واشنگتن و غرب بوده، جای هیچگونه شک و ابهامی نیست.

با نگاهی به تاریخ و جغرافیای دور و دراز کشورهای جهان و به خصوص ممالک اسلامی، به روشنی درخواهیم یافت که استعمار غرب و آمریکا، در کشورهای زیادی و به دلیل ضعف نگهداشتن دولتها و ملتهای آنان، از روش شوم و ویرانگر تجزیه سود برده اند. باید دانست که استعمارگران، تجزیه یک کشور را دفعتاً و به طور ناگهانی مطرح نمی کنند، بلکه با برنامه ها و پروژه های دراز مدت، به صورت آرام و تدریجی، سعی در آماده کردن ذهنیت ملتها، برای پذیرش این پدیده ویرانگر می کنند.

مراحل گام به گام تجزیه از سوی کشورهای قدرتمند و استعمارگر را به شرح زیر میتوان تصویر کرد:

الف) در قدم نخست اشغال یک کشور و در پی آن ایجاد نا امنی و توسعه آن در سراسر کشور اشغال شده. روش اشغال مستقیم، بیشتر در حدود ۶۰-۷۰ سال پیش مرسوم بود و از آن تاریخ به این سوی، صورت استعمار، شکل متمدن تر و پیشرفته تری را بخود گرفته است. در روش جدید، کشورهای قدرتمند، به جای هجوم مستقیم و مسلحانه، بگونه غیر مستقیم و خزنده، فرهنگ و اقتصاد کشورهای دیگر را مورد هجوم قرار میدهند. فائده این روش برای کشورهای بزرگ و توسعه طلب آنست که آسان و راحت وارد کشورهای مستعمره میشوند. گزینه های فرهنگی - اقتصادی، سرپوش های خوب و مناسبی است برای پنهان نگهداشتن اهداف و اغراض خطرناک و دخالت گرایانه دولتهای قوی و استعمارگر. تهاجم فرهنگی - اقتصادی، آن شدت و حدتی را ندارد که اشغال و هجوم های نظامی دارند و به همین دلیل، مقاومت قابل توجهی از ناحیه دولت و ملتهای مورد هجوم قرار گرفته را در برابر خود نمی بیند.

ب) پس از اشغال و یا تهاجم فرهنگی، نوبت به روش دوم میرسد و آن افگندن بذر تفرقه و نفاق میان اجزاء بهم پیوسته یک ملت است. تعداد بسیاری از کشورهای جهان را قومیتها، نژادها و دسته های مختلف دینی - مذهبی تشکیل داده است. جالب است بدانیم برخی از کشورهای غربی نیز تشکیل یافته از قومیتها، نژادها و ادیان متفاوتی اند که سالها است بطور مسالمت آمیز و به دور از هرگونه کشمکش و درگیری با هم زندگی میکنند. اما تفاوت در چیست که در کشورهای بزرگ و قدرتمند، ملتهای آنان، بررغم اختلافات فراوان قومی، نژادی و دینی - مذهبی، در آسایش و آرامش به سر میبرند و اما در ممالک دیگر جهان و بخصوص سرزمین هایی که سایه سنگین استعمار بر آنان تحمیل شده است، قضیه کاملاً متفاوت و برعکس است. چنانچه این قلم، بارها یادآور شده ام و برآن اصرار دارم، آمریکا و غرب و در کل فرهنگ غربی، اگر گزینه های مثبت و به درد بخوری هم داشته باشند، آنرا فقط و فقط برای کشورها و ملتهای خودشان میخواهند و بس و آنچه برای ملتهای دیگر، به خصوص کشورهای تحت استعمار و عقب نگهداشته شده میخواهند، نا هنجاری هایی مانند نامنی، فقر، بیکاری، فساد همه جانبه دولتی و اداری و.... چیزی دیگری نیست!

گزینه های منفی و ویرانگری که تماماً بدست خود آنان ایجاد و رهبری میشود. کاریکه در قرن حاضر، آمریکا و غرب با کشورهایمانند عراق، افغانستان و فلسطین میکنند. قدرتهای استعماری و بزرگ، همواره از جهل و نادانی مفرط و تأسف باری که بر کشورهای ضعیف نگهداشته شده حاکم بوده، بهره برداری کرده اند و همین جهل را چاشنی کرده اند برای تبلیغات وسیع و گسترده نفاق افگانه و مخرب شان علیه آن ملل و کشورها. با تأسف باید اعتراف کرد که ملت ما از این ناحیه یعنی تأثیرپذیری تبلیغات سوء استعمارگران، شاید آسیب پذیرترین ملتی باشد که میتواند در جغرافیای جهان وجود داشته باشد.

ج) دامن زدن به فساد همه جانبه، گسترش ناامنی و جنایتهای دهشتبار و ترسناک و ایجاد و گسترش فقر و بیکاری طاقت فرسا، از حربه های حساب شده و هدفمندی است که از سوی دولتهای استعمارگر، به شدت دنبال میشود. گزینه نا مطلوب و نا میمونی که نمونه واضح و آشکار آنرا در افغانستان میتوان شاهد بود. ممکن است علل و

د پانو شمیره: له ۱ تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

عوامل دیگری غیر از آنچه بر شمردیم در تجزیه کشورها نقش داشته باشند، نظیر استفاده از قوه قهریه و زور توسط کشورهای قوی و استعماری برای تجزیه کشور و کشورهای خاصی جهت اهداف سیاسی و اقتصادی و حتی فکر خاص؛ شبیه آنچه که در فلسطین اشغالی میگذرد و امریکا و غرب، با اغراض مشخصی از دولت غاصب اسرائیل حمایت و پشتیبانی میکنند.

همه این گزینه ها و حقایقی که یاد آوری شد، تماماً هشدار و زنگ خطری است برای دولتمردان کشورهای ضعیف و تحت استعمار کهنه و نو که اگر حساسیت موضوع را درک نکرده و توطئه بیگانگان را با خدمت صادقانه برای کشور و مردم شان، خنثی نکنند، مطمئن باشند که تعداد بسیاری از ملت و مردم شان، به خصوص آناتیکه از ناحیه قوم سالاری و نژاد پرستی، ضربه خورده و آزرده شده اند، به تجزیه کشور، به شکل جدی و اساسی، فکر خواهند کرد و مطمئن باشند که در صورت تجزیه افغانستان، با توجه به موقعیت های جغرافیایی بسیاری از ولایات کشور، ضرر و زیان اصلی متوجه کسانی خواهد بود که امروز، به تعصبات قومی و نژادی، بیشتر دامن میزنند!!!؟ اما آنچه این قلم می اندیشد و به خیر و صلاح ملت و دولت افغانستان مربوط میشود، یک افغانستان واحد، یکپارچه و قوی، که حقوق تمامی اقوام و نژادهای ساکن در کشور، بطور مساوی و عادلانه در آن مد نظر گرفته و رعایت شود، به مراتب بهتر از دو کشور ضعیف و یا یکی قوی و دیگر ضعیفی خواهد بود که در کنار هم، با ترس و وحشت از یکدیگر، زندگی کنند.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۲ تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

---

د پاڼو شميره: له ۳ تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پڼه له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په خیر و لولئ